




ستارگان وکالت

دفترچه آزمون اصول فقه

بودجه ۲ – تک درس

مدرس: طالب ملایی

مدرس دانشگاه و دارنده مدال طلای المپیاد حقوق

 setareganevekalat

 setareganevekalat

 <https://setareganevekalat.com>



۱. کدام یک از گزینه های زیر، به طور صحیح بیانگر تفاوت و شباهت میان لفظ مطلق و لفظ عام نیست؟

(۱) لفظ عام بر شمول مفهوم خود نسبت به همه افراد و مصادیق خود دلالت میکند و از لفظ مطلق نیز در صورت عدم تقييد به قيد يا وصف خاص، استفاده شمول و فراگیری می شود.

(۲) دلالت عام بر شمول و فراگیری، معمولاً به واسطه لفظ است، در حالی که شمول مطلق نسبت به همه افراد آن از مقدمات حکمت ناشی می شود.

(۳) اصطلاح عام در مورد مفاهیمی مطرح می شود که افراد متعددی دارند ولی اصطلاح مطلق ممکن است در مورد اوصاف، عوارض و حالات مختلف یک فرد و یا یک موضوع معین مطرح شود.

(۴) همانند شمول مطلق، شمول عام نیز نسبت به همه افراد خود می تواند گاه افرادی و یا گاهی بصورت احوالی و زمانی باشد.

پاسخ : گزینه ۳

توضیحات : همانطور که در گزینه ۳ به درستی بیان شده است، اصطلاح عام در مورد مفاهیمی مطرح میشود که افراد متعددی دارند ولی اصطلاح مطلق ممکن است در مورد اوصاف، عوارض و حالات مختلف یک فرد و یا یک موضوع معین مطرح شود و به همین دلیل باید گفت: شمول عام نسبت به همه مصادیق، همواره شمول افرادی است اما شمول مطلق گاه شمول افرادی و گاه هم شمول احوالی و یا زمانی خواهد بود بنابراین گزینه ۳ حاوی گزاره اشتباه بوده و جواب صحیح سؤال است.

۲. مطابق ماده ۲۵۰ قانون آ.د.م که مقرر می دارد «اقرار وکیل علیه موکل خود نسبت به اموری که قاطع دعوا است پذیرفته نمی شود اعم از اینکه اقرار در دادگاه یا خارج از دادگاه به عمل آمده باشد» کدام یک از گزینه های زیر در خصوص واژه «وکیل» صحیح خواهد بود؟

(۱) واژه وکیل در این ماده نسبت به انواع وکیل، بطور مطلق بکار رفته است.

(۲) شمول واژه وکیل به انواع آن در این ماده مجمل و مشکوک است.

(۳) واژه وکیل تنها دارای اطلاق احوالی و یا زمانی است و اطلاق افرادی ندارد.

(۴) واژه وکیل در این ماده مطلق نیست و وکلای تسخیری را در بر نمی گیرد.

پاسخ : گزینه ۳

توضیحات : باتوجه به ظاهر ماده مزبور، استعمال واژه وکیل در این ماده بطور مطلق است و قیدی در خصوص لفظ وکیل دیده نمی شود و اجمال یا شکی در این خصوص وجود ندارد و این اطلاق هم بصورت افرادی یا استغراقی و هم بصورت احوالی و زمانی است، بدین صورت که اقرار همه وکلا در همه زمان ها و حالات، علیه موکل خود، نسبت به امور قاطع دعوا پذیرفته نخواهد شد. با این توضیح ایراد سایر گزینه ها نیز مشخص میشود.





۳. کدام یک از موارد زیر از مستقلات عقلی محسوب می شود؟

(۱) مقدمه واجب

(۲) حسن و قبح عقلی

(۳) مسئله ضد

(۴) اجتماع امر و نهی

پاسخ : گزینه ۲

توضیحات : اگر عقل به تنهایی و بدون بهره گیری از مقدمات شرعی، یک حکم شرعی را درک کند به آن مستقلات عقلی گفته میشود و اگر برای اثبات حکم شرعی، از مقدمات غیرعقلی هم استفاده کند، آن را غیرمستقلات عقلی می نامند. بنا به نظر اصولیان، تنها دلیل مستقل عقلی که بتوان از آن حکم شرعی استنباط نمود، مسئله حسن و قبح عقلی است. این درحالی است که مواردی مانند مقدمه واجب، دلالت نهی بر فساد، مسئله ضد، اجتماع امر و نهی و مسئله اجزاء از جمله غیرمستقلات عقلی محسوب می شوند. با این توضیح علت نادرستی سایر گزینه ها مشخص میشود.

۴. تعریف ذیل مصداق کدام اطلاق میباشد؟

«لفظ یا جمله حالات مختلفی دارد اما مقید به هیچ یک از حالات نشده است و شامل همه حالات میشود.»

(۱) اطلاق احوالی

(۲) اطلاق مقامی

(۳) اطلاق لفظی

(۴) اطلاق ازمانی

پاسخ : گزینه ۱

توضیحات : تعریف فوق تعریف اطلاق احوالی میباشد.

۵. کدام یک از گزینه های زیر، به طور صحیح بیانگر تعریف «مقدمات حکمت» است؟

(۱) شرایطی است که شنونده در صورت اجتماع آن شرایط، از لفظ استفاده اطلاق میکند و به این شرایط قرینه عام گفته می شود.

(۲) شرایطی است که شنونده در صورت وجود یکی از آن شرایط، از لفظ اطلاق استفاده میکند و به این شرایط قرینه عام گفته می شود.





۳) شرایطی است که شنونده در صورت وجود یکی از آن شرایط، از لفظ اطلاق استفاده میکند و به این شرایط قرینه خاص گفته می شود.

۴) شرایطی است که شنونده در صورت اجتماع آن شرایط، از لفظ اطلاق استفاده میکند و به این شرایط قرینه خاص گفته می شود.

پاسخ: گزینه ۱

توضیحات: مطابق عقیده بسیاری از اصولیان، منظور از مقدمات حکمت شرایطی است که شنونده در صورت اجتماع آن شرایط، از لفظ استفاده اطلاق میکند. از طرفی چون مقدمات حکمت اختصاص به لفظ یا مورد خاصی ندارد و در تمام الفاظ مطلق می توان از آن استفاده نمود، به همین دلیل برخی از اصولیان از این مقدمات با عنوان قرینه عام یاد کرده اند. با این توضیح علت نادرستی سایر گزینه ها نیز مشخص می شود.

۶. در ماده ۶۷۱ قانون مدنی: «وکالت هر امری، مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیز هست مگر اینکه تصریح به عدم وکالت باشد». عبارت «وکالت در هر امری مستلزم وکالت در لوازم آن هم هست»، بیانگر کدام مورد است؟

۱) مقدمه نفوذ

۲) قاعدهٔ إذن در شیء إذن در لوازم آن است؛ و حکم عقل

۳) مقدمه علم

۴) مقدمه حرام

پاسخ: گزینه ۲

توضیحات: بر اساس قاعده «إذن در شیء، إذن در لوازم است»، هنگامی که به چیزی إذن دهیم، خود به خود، به هر کاری که برای رسیدن به این إذن هم لازم ا إذن داده ایم. مثلاً مقنن در قانون مدنی بیان کرده: وکالت در هر امر، مستلزم وکالت در لوازم آن امر مبنای قاعده «إذن در شیء، إذن در لوازم آن است»، عقل است.

۷. اعتبار اجماع:

۱) از باب کشف از سنت است.

۲) ذاتی است.

۳) در احکام شرعی از باب کاشفیت حجت است و در امور عرفی، دارای ارزش ذاتی است.

۴) مطلقاً فاقد اعتبار است.

پاسخ: گزینه ۱





توضیحات: اجماع (اتفاق نظر فقهاء) زمانی حجت است که اطمینان پیدا کنیم که کاشف و حاکی از سنت است (اتفاق نظر فقهاء زمانی حجت است که یقین پیدا کنیم که اگر امام معصوم هم حضور داشت، همین نظر را می داد).

۸. در مورد خبر واحد، کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) خبر واحد، دلیل ظنی است.
- (۲) عقلا و شرعاً عمل به خبر واحد، واجب است.
- (۳) برخی معتقدند عمل به خبر واحد شرعاً واجب نیست و برخی دیگر معتقدند عمل به خبر واحد شرعاً واجب است.
- (۴) از نظر عقل، عمل به خبر واحد واجب نیست.

پاسخ: گزینه ۲

توضیحات: از نظر عقل، عمل به خبر واحد واجب نیست؛ و از نظر شرع: ۱- برخی فقهاء معتقدند عمل به خبر واحد واجب است ۲- برخی فقهاء معتقدند عمل به خبر واحد، واجب نیست.

۹. با توجه به ماده ۸۸۰ قانون مدنی، «قتل از موانع ارث است. بنابراین؛ کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می شود، اعم از اینکه قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفردا باشد یا به شرکت دیگری» و ماده ۸۸۱ قانون مدنی: «در صورتی که قتل عمدی مورث به حکم قانون یا برای دفاع باشد، مفاد ماده فوق مجری نخواهد بود؛» ماده ۸۸۱ قانون مدنی بیانگر چیست؟

- (۱) مبین بالعرض
- (۲) مجمل
- (۳) مبین بالغیر
- (۴) مبین

پاسخ: گزینه ۴

توضیحات: با توجه به اینکه ماده ۸۸۱ قانون مدنی، معنای ماده ۸۸۰ قانون مدنی را واضح و روشن می کند؛ به ماده ۸۸۱ قانون مدنی، مبین می گوئیم.

۱۰. لفظ «مقتضا» در بند ۱ ماده ۲۳۳ قانون مدنی: «شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است: ۱ شرط خلاف مقتضای عقد؛ ۲- شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود»، نسبت به ذات و اطلاق:

(۱) مطلق است.





۲) مطلق نیست؛ به خاطر وجود قدر متیقن خارجی

۳) مطلق نیست؛ به خاطر وجود قید

۴) مطلق نیست؛ به خاطر عدم تلازم اطلاق و تقييد

پاسخ: گزینه ۳

توضیحات: منظور از لفظ مقتضا در بند ۱ ماده ۲۳۳ قانون مدنی، مقتضای ذات عقد است و نه هر دو قسم مقتضا (مقتضای ذات و مقتضای اطلاق). چون در اینجا، قرینه و نشانه داریم که منظور از لفظ مقتضا یکی از اقسامش است، این لفظ به خاطر وجود قید (به خاطر وجود قرینه تقييد) مطلق نیست.

